«وطن امروز» از تأثیر سیاست حذف دلار در مبادلات بین‌المللی گزارش می‌دهد

دلارزدایی و اقتصاد جهانی

ثمانه اکوان / فرزانه دانایی: این روزها در مطبوعات و رسانه‌های دنیا، کلمه دلارزدایی (Dedollarisation) به وفور دیده می‌شود. دلارزدایی، تلاش‌های عامدانه برای کاهش یا حذف دلار آمریکا از اقتصاد یک کشور، منطقه یا جهان است. دلارزدایی در شرایطی که پایه بسیاری از اقتصادهای منطقه‌ای بر اساس اتکا به ارز واسط دلار شکل گرفته و پی‌ریزی شده است، کاری بی‌نهایت پیچیده و سخت بوده که نیازمند همکاری تعدادی از کشورهای مهم و تأثیرگذار جهان برای ضربه زدن به اقتصاد ایالات‌متحده است. دلار ایالات‌متحده نقش بسیار مهمی در تجارت بین‌الملل، امور مالی کشورها و سیستم‌های مالی و بازارهای جهانی داشته و به همین جهت است که دولت ایالات‌متحده همواره تلاش کرده تا از ارز ملی خود به‌عنوان اهرم و ابزاری مهم در جنگ اقتصادی علیه کشورها استفاده کند. همین مساله و دیدگاه‌های برخی دیگر که معتقدند دلار باید به عنوان ارز واسط در اقتصاد جهانی کنار گذاشته شود، در سال‌های اخیر تلاش‌ها برای دلارزدایی در عرصه جهانی را افزایش داده است. اما دلارزدایی دقیقاً به چه معناست و از چه زمانی دلار به‌عنوان ارز واسط در معاملات بین‌المللی، تبدیل به سلاحی در دست دولت ایالات‌متحده شد که با آن دنیا را تحت کنترل و اراده خود قرار دهد؟ در این مطلب به این مسائل پرداخته شده و در ادامه به استراتژی‌های دلارزدایی و راه‌های موفق در این زمینه که دیگر کشورها طی سال‌های گذشته آن را تجربه کرده‌اند، پرداخته‌ایم.

■ داستان دلار؛ از جنگ دوم جهانی تا به امروز

از زمانی که دلار به‌عنوان ارز مهم جهانی مورد پذیرش کشورها قرار گرفت و به سلطه آمریکا بر بازارهای مالی جهان دامن زد، مدت زمان زیادی می‌گذرد. داستان صعود دلار در میزان ارزهای دیگر کشورها و قرار گرفتن آن در مرکز اصلی مبادلات تجاری و اقتصادی، به سال‌های بعد از جنگ دوم جهانی بازمی‌گردد. یعنی زمانی که ایالات‌متحده هم به‌عنوان یکی از فاتحان جنگ دوم جهانی از نظر سیاسی و نظامی در رأس قدرت‌های جهانی بود و هم از نظر اقتصادی به‌دلیل فعالیت‌های اقتصادی و تولیداتش به یکی از اقتصادهای بزرگ جهانی تبدیل شده بود. در سال ۱۹۴۴ میلادی، یعنی سال پایانی جنگ دوم جهانی، نمایندگانی از ۴۴ کشور جهان در شهر «برتون وودز» ایالت همپشایر گرد هم آمدند تا سیستم مالی جهانی جدیدی را پایه‌گذاری کنند. این کنفرانس در اصل برای تصمیم‌گیری درباره چگونگی بازسازی اروپا بعد از جنگ دوم جهانی و چگونگی تأمین هزینه‌های و منابع مالی برای این کار تشکیل شد اما ایالات‌متحده فرصت را غنیمت شمرد تا از این کنفرانس و نتیجه جنگ که در انتظار کشورهای اروپایی بود استفاده کرده و ارز خود را به‌عنوان مهم‌ترین و تأثیرگذارترین ارز تاریخ در جهان معرفی کند. در اصل قرار بود در این کنفرانس، نماینده ۴۴ کشور جهان درباره برخی مسائلی که باعث شکوفایی اقتصاد جهان بعد از جنگ می‌شود، صحبت کنند. آنها درباره ثبات نرخ ارزهای بین‌المللی صحبت کردند و هدف اصلی، ایجاد سیستمی بود که عملکرد روان تجارت بین‌المللی را از طریق نرخ ارز باثبات تسهیل کند. شرکت‌کنندگان در این همایش در عین حال به‌دنبال اجتناب از کاهش ارزش پول کشورهای مختلف در شرایط رقابتی آن زمان بودند، زیرا می‌دانستند که کاهش ارزش ارزهای ملی، می‌تواند صادرات را پررونق ساخته و شرایط برای ساخت‌وسازها و بازسازی‌ها را فراهم کند. اما کاهش ارزش پول ملی هر کشور در مقابل کشور دیگر که به‌صورت دستوری انجام می‌شد، در دهه ۱۹۳۰ میلادی باعث ایجاد آشفتگی اقتصادی در جهان شده بود و تلاش می‌شد با معرفی ارز واحد برای نقل و انتقالات مالی، از آشفتگی‌های اقتصادی دوران بازسازی بعد از جنگ اجتناب شود.

بر همین اساس بود که غیر از سیاست‌های مبتنی بر ثبات نرخ ارز، ایجاد صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی نیز در دستور کار نمایندگان این ۴۴ کشور قرار گرفت. صندوق بین‌المللی پول بر این اساس وظیفه داشت همکاری مالی بین‌المللی را تبلیغ و ترویج کرده، تسهیلات لازم برای ثبات نرخ ارز را فراهم آورد و در عین حال به کشورهای عضو کمک کند که در طول بحران‌های اقتصادی و مشکلاتی که برای‌شان به وجود می‌آید، بتوانند منابع مالی خود را در تراز با هزینه‌های‌شان نگه دارند. صندوق بین‌المللی پول در واقع قرار بود ارگانی برای ایجاد سیاست‌های بین‌المللی اقتصادی باشد که کشورهای عضو بتوانند با به کار بردن آن، به رشد اقتصاد جهانی پس از جنگ دوم جهانی کمک کنند.

بر همین اساس قرار شد همکاری‌های بین‌المللی در راستای تسهیل تجارت بین‌المللی نیز بین کشورها انجام شود تا با کاستن از میزان مالیات‌ها و تعرفه‌های گمرکی، شرایط برای افزایش میزان تجارت بین‌الملل (البته بیشتر تجارت بین اروپا و آمریکا) مساعد شود.

در تمام اهداف تعیین‌شده برای این همایش، به نظر می‌رسید دلار قرار است نقشی ویژه و اساسی ایفا کند.

■ چرا دلار ایالات‌متحده؟

«دلار ایالات‌متحده تنها ارز در جهان است که واقعاً قابل تبدیل به طلاست. این امر به دلار جایگاه ویژه‌ای در اقتصاد جهانی می‌دهد. این ارز انتخابی برای تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی است. همچنین ارزی است که برای تسویه بدهی‌های ارزی بین‌المللی از آن استفاده می‌شود. تسلط دلار آمریکا، عامل اصلی ثبات اقتصاد جهانی است».

اینها جملاتی است که «هردکستر وایت» یکی از نمایندگان ایالات‌متحده در کنفرانس برتون وودز، در حمایت از تسلط دلار بر اقتصاد جهان بیان کرد. هیات آمریکایی اما بر اساس اعتماد به نفسی که از وضعیت اقتصادی کشورشان داشتند، خواهان برتری و تسلط دلار بر اقتصاد دنیا بودند. جنگ جهانی اول و دوم زمینه و شرایط مناسبی را برای آمریکا فراهم آورده بود که در زمینه اقتصاد، به رشدی غیرقابل تصور برسد. در آن زمان ایالات‌متحده بالاترین میزان ذخایر طلا را در بین تمام کشورهای دنیا داشت و بر همین اساس تصمیم گرفت برای ثابت نگه‌داشتن نرخ ارزهای دنیا، هر اونس طلا را معادل ۳۵ دلار ایالات‌متحده در نظر بگیرد. بر این اساس کشورها می‌توانستند ذخایر طلای خود را برای دریافت دلار آمریکا، به وزارت خزانه‌داری ایالات‌متحده ارائه دهند و به‌جای آن دلار دریافت کنند و با دلار آمریکا به بازسازی کشورشان بپردازند. ایالات‌متحده با این کار در سال ۱۹۴۴، راه را برای تبدیل شدن به بزرگ‌ترین ذخیره‌کننده طلا در دنیا برای خود باز کرد و هم‌اینک نیز این کشور با در اختیار داشتن حدود ۸۰۰۰ تن متریک ذخایر طلا (معادل ۷۲۵۷,۵ تن - استاندارد جهانی) بزرگ‌ترین ذخایر طلای دنیا را در اختیار دارد.

اگر در روزهای جنگ دوم جهانی، ایالات‌متحده با قرض گرفتن طلا و منابع مالی موجود دست مردمش به بزرگ‌ترین دارنده طلا در دنیا تبدیل شد و از این طریق توانست تسلط دلار بر دنیا را تضمین کند، بعد از مدتی سیستم اقتصادی به وجود آمده از کنفرانس برتون وودز، آمریکا را تبدیل به کشوری کرد که هر کشور دیگری در جهان برای اداره امور خود یا قرض گرفتن از ایالات‌متحده باید ذخایر طلای خود را به آمریکا تحویل دهد. همین سیستم بود که تا به امروز دلار آمریکا را در وضعیت غلبه بر سایر ارزهای جهان قرار داده است.

البته هیات نمایندگی ایالات‌متحده در کنفرانس «برتون وودز» دلایل دیگری نیز برای پیشنهاد دلار به‌عنوان ارز مرجع در جهان داشتند. آنها به اندازه اقتصاد آمریکا اشاره کرده و با بیان اینکه کشورشان بزرگ‌ترین اقتصاد جهان را داراست، اعلام می‌کردند که ارزشان نیز بر همین اساس باید ارز مسلط بر بازارهای جهانی باشد. آنها در عین حال با اشاره به ۲ جنگ جهانی در اروپا و بی‌ثباتی سیاسی سایر کشورهای جهان، بیان می‌کردند که ایالات‌متحده باثبات‌ترین سیستم سیاسی جهان را داراست و به همین دلیل میزان پیش‌بینی‌پذیری وضعیت اقتصادی آن نیز به‌مراتب بالاتر از سایر کشورهاست و بنابراین دلار آمریکا، ارزی کاملا ایمن برای سرمایه‌گذاران است. آنها باور داشتند که بازارهای مالی بزرگ موجود در ایالات‌متحده امکان خرید و فروش دلار را برای تمام بازیگران جهانی فراهم می‌کند و به همین دلیل دلار می‌تواند ارز جامع و مناسبی برای تجارت و اقتصاد جهانی باشد.

تحریم‌ها شاید نخستین انگیزه برای دلارزدایی در برخی از کشورهایی باشد که مورد تحریم واقع شده‌اند اما اثرات ثانویه تحریم‌ها بیشتر از خود تحریم باعث تسریع در اقدامات مربوط به دلارزدایی شده است، چرا که دولت‌ها در سراسر جهان به این فکر می‌کنند که اگر قرار باشد دولت بعدی در تحریم‌های آمریکایی آنها باشند، چه اتفاقی برای اقتصادشان رخ خواهد داد

■ اولین خیانت دلار به سیستم اقتصاد جهانی

سیستم اقتصادی برتون وودز در سال ۱۹۷۱ میلادی سرانجام از هم پاشید اما این مساله مانعی برای باقی ماندن دلار به‌عنوان ارز مرجع جهانی نبود. علت فروپاشی این سیستم نیز در نوع خود و در مطالعه درباره پروسه افول دلار بسیار جالب توجه است. در سال ۱۹۷۱، یعنی سالی که ایالات‌متحده همچنان درگیر در جنگ ویتنام بود و از نظر اقتصادی در وضعیت بحرانی به سر می‌برد، جنبش‌های اجتماعی مرتبط با سیاه‌پوستان و جنبش‌های زنان و گروه‌های ضدجنگ، هر روز به بهانه‌ای اعتراض خیابانی می‌کردند و دولت نیکسون نیز تلاش می‌کرد ایالات‌متحده را از جنگ ویتنام خارج و از هزینه‌کرد بیشتر در این مساله خودداری کند. بر این اساس دولت نیکسون به یک‌باره اعلام کرد که دیگر نمی‌خواهد نرخ ثابت هر اونس طلا برابر با ۳۵ دلار را به رسمیت بشناسد و به‌صورت یکجانبه از این سیستم خارج خواهد شد. این مساله نشان‌دهنده تلاش ایالات‌متحده برای کاستن از ابعاد بحران مالی پیش رویش بود؛ بحرانی که با افزایش جهانی قیمت نفت نیز عمیق‌تر شده بود. فروپاشی سیستم برتون وودز برای مدتی باعث شد نرخ تبادل ارزها متغیر شود و ارزش ارزهای جهانی به وسیله ۲ عنصر عرضه و تقاضا مشخص شود. دلار از آن پس به‌عنوان ارز اول دنیا باقی ماند اما دیگر قابل تبدیل به طلا نبود. در واقع دیوار حمایتی از ارز آمریکا که تا پیش از این ذخایر طلای این کشور بود، با قدرت گرفتن و اهمیت یافتن دلار، از پشت ارز این کشور برداشته شد و دلار به‌تنهایی با قدرتی که در فاصله سال‌های ۱۹۴۴ تا ۱۹۷۱ گرفته بود، توانست خود را به‌عنوان ارز اول جهان ثابت کند. دولت آمریکا در واقع با استفاده از موقعیت تلاش اروپایی‌ها برای بازسازی کشورهای‌شان بعد از جنگ دوم جهانی، بنایی را برای تبدیل شدن دلار به ارز جهانی برپا کرد که تمام دنیا نیز برای مستحکم کردن آن تلاش کرد.

■ چرا دلارزدایی؟

با گذشت زمان و استفاده‌های مکرر دولت ایالات‌متحده از ارز خود به‌عنوان سلاح در رقابت‌ها و رویارویی‌های سیاسی بین‌المللی، کم‌کم ایده دلار به‌عنوان ارز مرجع جهانی زیر سوال رفت. پروسه استفاده از دلار به‌عنوان سلاح یا «Dollar Weaponistion» در ابتدای قرن بیستم میلادی یعنی از همان زمان که دلار به‌عنوان ارز مرجع در جهان برای نقل و انتقالات مالی پذیرفته شد، آغاز شد. تعیین شدن دلار به‌عنوان ارز مرجع در نقل و انتقالات مالی دنیا، قدرت اقتصادی عظیمی به ایالات‌متحده داد، زیرا کشورهای دیگر جهان برای دسترسی به بازارهای مالی جهانی و فعالیت در آن نیازمند در اختیار داشتن دلار بودند. ایالات‌متحده از همان زمان از قدرت اقتصادی خود برای اجبار کشورها به اجرای سیاست‌های مد نظرش استفاده می‌کرد. نمونه این اقدامات را می‌توان در اعمال تحریم‌های مختلف علیه کشورهایی نظیر لیبی، ایران، کره‌شمالی، روسیه و چین نام برد.

شاید تصور شود اعتراض به استفاده از دلار به‌عنوان سلاح علیه کشورهای دیگر، تا به حال تنها توسط ایران انجام شده است اما انتقاد به تبدیل شدن دلار به سلاح آمریکا علیه دنیا، یکی از مسائلی بوده که از همان روزهای ابتدایی همواره توسط کارشناسان روابط بین‌الملل مطرح می‌شده است. کارشناسان بر این عقیده بودند که این کار باعث می‌شود ایالات‌متحده با استفاده از دلار به قلدری در عرصه جهان پرداخته و نوع جدیدی از امپریالیسم اقتصادی را راه‌اندازی کند.

اما پروسه ایالات‌متحده برای استفاده از دلار به‌عنوان سلاح در برابر سایر کشورها چه بوده است؟ نخستین اقدام که به نظر می‌رسد ساده‌ترین راه نیز باشد، اعمال تحریم است. آمریکا بعد از حدود ۸۰ سال استفاده از دلار به‌عنوان سلاح علیه دیگر کشورها، در نهایت این اقدامات را به‌عنوان یک «نُسرم» یا عرف بین‌المللی مطرح کرده است که اگر هر کشوری مخالف منافع ایالات‌متحده گام برداشته یا از قوانین بین‌المللی سرپیچی کند، در نهایت با تحریم مواجه خواهد شد.

دومین اقدام اما اعمال کنترل مالی بر دیگر کشورها از طریق دلار است. ایالات‌متحده با کنترل کردن راه‌هایی که یک کشور می‌تواند به دلار دسترسی داشته باشد یا هدف قرار دادن سیستم مالی کشورهایی که این کنترل را نمی‌پذیرند، از دسترسی کشورها به بازارهای مالی و تجاری جهانی جلوگیری می‌کند.

شاید تصور شود دلار همچنان می‌تواند به‌عنوان سلاحی قدرتمند در دست ایالات‌متحده باقی بماند اما اشتباه محاسباتی دولت‌های مستقر در واشنگتن این بوده است که تصور کرده‌اند می‌توانند به‌صورت مرتب و بدون هیچ محدودیتی علیه کشورهای متخاصم یا رقیب اعمال قدرت و کنترل کنند. ایالات‌متحده در طول تاریخ خود بعد از جنگ دوم جهانی حدود ۲۰ کشور و در عین حال صدها گروه از بازیگران غیردولتی را تحریم کرده است که تأثیرات زیادی روی اقتصاد کشورهای مختلف و حتی اقتصاد جهانی داشته است.

تحریم‌ها شاید نخستین انگیزه برای دلارزدایی در برخی از کشورهایی باشد که مورد تحریم واقع شده‌اند اما اثرات ثانویه تحریم‌ها بیشتر از خود تحریم باعث تسریع در اقدامات مربوط به دلارزدایی شده است، چرا که دولت‌ها در سراسر جهان به این فکر می‌کنند که اگر قرار باشد دولت بعدی در تحریم‌های آمریکایی آنها باشند، چه اتفاقی برای اقتصادشان رخ خواهد داد. کشورهای آسیایی، منطقه آمریکای لاتین و حتی آفریقایی حالا بیشتر از هر زمان دیگری به دلارزدایی از سیستم اقتصادی خود و به‌تبع آن دلارزدایی از اقتصاد جهانی فکر می‌کنند.

در عین حال کشورهایی که بشدت به سیستم مالی آمریکا و دلار این کشور وابسته هستند، می‌دانند که با هر بحران اقتصادی داخل ایالات‌متحده، باید منتظر وقوع بحرانی اقتصادی در داخل کشورشان نیز باشند. با گسترش یافتن هزینه‌های نظامی آمریکا در دنیا بویژه بعد از جنگ اوکراین، احتمال شکل‌گیری بحران اقتصادی در این کشور و گسترش دامنه این بحران به سایر کشورهای جهان احتمال بالایی دارد و به همین دلیل روند دلارزدایی در دنیا در حال توسعه و سرعت گرفتن است. اگر برخی کشورها به دلیل نزدیکی به ایالات‌متحده به دنبال دلارزدایی کامل نباشند، حداقل به دنبال وسیع کردن و تنوع‌پذیر کردن سبد ارزی خود هستند و همین مساله خود به‌همراه تلاش‌های دیگر برای دلارزدایی در عرصه جهانی، باعث افول ارزش دلار در دنیا خواهد شد. در عین حال بروز و ظهور سیستم‌های جدید مالی و آسان شدن راه‌های مبادله کالا و تجارت با همسایگان، همچنین شکل‌گیری ائتلاف‌های اقتصادی و سازمان‌های همکاری اقتصادی منطقه‌ای، از دیگر مسائلی بوده که دلارزدایی یا کاهش اتکا به دلار را برای بسیاری از کشورها - حتی متحدین آمریکا - جذاب کرده است.

ظهور ارزهای دیجیتال، از دیگر عواملی است که دولت‌ها را به این نتیجه رسانده که بهتر است به‌جای دلار از رمزارزها و یا ارزهای دیجیتال در مبادلات خود استفاده کنند. این اقدام هم‌اینک توسط بسیاری از شرکت‌ها در بخش خصوصی یا گروه‌های مستقل از حاکمیت و دولت کشورها در حال انجام است. ایجاد بانک‌های مرکزی ارز دیجیتال، راه برای تجارت با این ارزها را هموار کرده و تهدیدی جدی برای دلار آمریکا به‌شمار می‌رود. تلاش دولت ایالات‌متحده برای ایفای نقش رگولاتور در دنیای ارز دیجیتال، بر همین اساس بوده و تلاش می‌شود این ارزها جذابیت رقابتی خود با دلار را از دست بدهند.

از زمانی که ارزهای دیجیتال راه خود را به معاملات جهانی باز کرد تاکنون کشورهای زیادی تلاش کرده‌اند با معرفی ارزهای خود راه برای تجارت آسان‌تر در جهان را باز کنند. بر اساس آخرین آمار منتشر شده در گزارش اندیشکده شورای آتلانتیک با عنوان «وضعیت جهانی ارزهای دیجیتال» که در ماه فوریه سال ۲۰۲۳ منتشر شده، در سال ۲۰۲۳، حداقل ۱۰۵ کشور جهان در حال بررسی استفاده از ارزهای دیجیتال در معاملات جهانی بودند و ۱۸ کشور پیشرفتی چشمگیر در این حوزه داشته‌اند. اگر چه به نظر می‌رسد کشورهای رقیب ایالات‌متحده مهم‌ترین کشورها در به‌کارگیری ارز دیجیتال در مبادلات تجاری خود باشند اما نگاهی به فهرست کشورهایی که بالاترین میزان فعالیت در این باره را داشته‌اند، نشان می‌دهد کشورهای حوزه آمریکای لاتین، آفریقا یا برخی کشورهای اروپایی نیز در این حوزه بشدت فعال بوده‌اند. برخی از این کشورها عبارتند از: چین، باهاماس، نیجریه، سوئد، اروگوئه، کامبوج، کنیا، سنگال، اوکراین، ونزوئلا، استرالیا، برزیل، کانادا، هندوستان، ژاپن، مالزی، روسیه، تایلند، انگلستان، امارات عربی متحده و عربستان سعودی.

■ استراتژی‌های دلارزدایی

راه‌های مختلفی برای حذف دلار از چرخه مبادلات تجاری و اقتصادی یک کشور وجود دارد و هر کدام از کشورهایی که به‌دنبال رسیدن به این هدف هستند، متناسب با وضعیت اقتصادی و شرایط سیاسی خود، راهکارها و استراتژی‌های مختلفی را در پیش می‌گیرند. در اینجا به برخی از این استراتژی‌ها که تاکنون در کشورهای مختلف به کار گرفته شده و نتایج مثبتی با خود به‌همراه داشته است، اشاره می‌شود.

۱- ترویج استفاده از پول ملی: نخستین اقدام که معمولا با واژه دلارزدایی همراه می‌شود، ترویج استفاده از پول ملی است. در برخی کشورها که برخی از معاملات بزرگ با دلار انجام می‌شود، دولت برای دلارزدایی در وهله اول، استفاده از پول ملی را در داخل کشور ترغیب و ترویج می‌کند. اگر کنترل دولت بر بازار اقتصادی ضعیف باشد، معمولا بازارها در کشورهایی با اقتصاد ضعیف که کدام در حال از دست دادن ارزش پول ملی‌شان هستند، به‌سمت استفاده از دلار یا سایر ارزهای رایج می‌روند. دولت برای کنترل بازار ارز و کاستن از ارزش پول ملی، به‌سمت ترویج یا اجبار استفاده از پول ملی در معاملات درون کشور می‌رود. با توجه به نوسانات دلار در عراق که باعث افزایش نرخ تورم در این کشور شده بود، دولت اخیراً در قانونی از مردم خواسته است تنها از ارز ملی عراق یعنی دینار در معاملات خود استفاده کنند.

۲- ترویج ارز ملی در قراردادهای دوجانبه با کشورهای دیگر: ترویج ارز ملی در قراردادها و موافقتنامه‌های اقتصادی دوجانبه با سایر کشورها، دومین راهکاری است که برای دلارزدایی انجام می‌شود. در همان روزهای ابتدایی جنگ اوکراین و زمانی که کشورهای غربی، دست به تحریم گسترده روسیه زده و دسترسی این کشور به بازارهای مالی جهانی و خصوصی دلار را بستند، دولت روسیه اعلام کرد از این پس معاملات نفتی خود را با ارز ملی‌اش یعنی روبل انجام می‌دهد. این اقدام باعث می‌شود بازیگران و فعالان بازار سرمایه که قصد فعالیت در روسیه را دارند، مجبور به خرید روبل شوند و با بالا رفتن درخواست برای خرید روبل از بانک مرکزی این کشور، ارزش پول ملی نیز در برابر دلار بالا می‌رود.

۳- سوآپ ارزی: سومین اقدام در این زمینه، ترتیب دادن سوآپ ارزی با شرکای تجاری برای تسهیل مبادلات در ارزهای ملی است. ایجاد ترتیبات سوآپ ارزی با شرکای تجاری شامل توافقاتی بین بانک‌های مرکزی ۲ کشور برای مبادله ارزهای مربوط با نرخ‌ها و مبالغ از پیش تعیین شده است. به این ترتیب، امکان انجام تراکنش‌های آسان و کارآمدتر با ارزهای ملی را فراهم می‌کند و وابستگی به دلار ایالات‌متحده را به‌عنوان ارز واسط کاهش می‌دهد. این راهکار هم‌اینک توسط روسیه، چین، ایران و چین در حال اجراست. ایران همچنین با ترکیه نیز توافق سوآپ ارزی دارد. بر اساس این توافقات، که با چین در سال ۲۰۱۲ و ترکیه در سال ۲۰۱۹ انجام شده است، ریال ایران با یوآن چین و لیر ترکیه، بر اساس ارزش پول‌های ملی مبادله می‌شود و دیگر واسطه‌ای به نام دلار آمریکا وجود نخواهد داشت.

پروسه استفاده از دلار به‌عنوان سلاح یا «Dollar Weaponistion» در ابتدای قرن بیستم میلادی یعنی از همان زمان که دلار به‌عنوان ارز مرجع در جهان برای نقل و انتقالات مالی پذیرفته شد، آغاز شد. تعیین شدن دلار به‌عنوان ارز مرجع در نقل و انتقالات مالی دنیا، قدرت اقتصادی عظیمی به ایالات‌متحده داد، زیرا کشورهای دیگر جهان برای دسترسی به بازارهای مالی جهانی و فعالیت در آن نیازمند در اختیار داشتن دلار بودند

۴- متنوع ساختن سبد ارزی: سرمایه‌گذاری و خرید ارزهای دیگر غیر از دلار مانند یورو، یوآن یا ین ژاپن، از دیگر اقداماتی است که می‌تواند اتکای کشورها به دلار آمریکا را کاهش دهد. بر این مبنا، برخی کشورهای جهان در حال تبدیل ارزهای خود به کالاهای با ارزش دیگر مانند طلا یا سایر فلزات گرانبها نیز هستند.

۵- ایجاد ارز واحد منطقه‌ای یا سبد ارزی منطقه‌ای: این ایده بیان می‌دارد که برخی کشورهای موجود در یک منطقه می‌توانند با ایجاد ارز مشترک یا استفاده از موسسات مالی منطقه‌ای موجود، برای تجمیع ذخایر ارزی و پولی خود اقدام کنند. مهم‌ترین نمونه در این مساله اتحادیه اروپایی و ایجاد ارز منطقه‌ای یورو است. اگرچه این راهکار نیز با توجه به اینکه بسیاری از مسائل دیگر مانند حکمرانی بر اقتصاد و کنترل سیاست‌های اقتصادی باید در تمام کشورها ضعیف شود تا همه با هم بتوانند سیاست‌های مشترک اخذ کنند، تا حد زیادی با انتقادات شدید مواجه شده و حق حاکمیت اقتصادی کشورها را زیر سوال برده است اما ایجاد سبد ارزی متنوع در یک منطقه که باعث می‌شود کشورهای منطقه از ارزهای متنوع برای تجارت با یکدیگر استفاده‌کنند، می‌تواند ابتکار مناسبی برای دلارزدایی در یک منطقه جغرافیایی خاص باشد.

۶- ایجاد بازارها و ابزارهای مالی منطقه‌ای: غیر از ایجاد ارز واحد منطقه‌ای یا تنوع بخشیدن به سبد ارزی در تعاملات منطقه‌ای، ایجاد مکانیسم همکاری پولی و مالی منطقه‌ای برای افزایش ثبات و انعطاف‌پذیری مالی نیز یکی دیگر از راهکارهایی است که می‌تواند باعث کاهش تمایل به استفاده از دلار به‌عنوان ارز واسط باشد. تشویق به استفاده از ابزارهای مالی منطقه‌ای، مانند بازارهای اوراق قرضه محلی برای کاهش اتکا به بازارهای تحت سلطه آمریکا در این میان بسیار ضروری است.

۷- حمایت از مکانیسم‌های پرداخت بین‌المللی جایگزین: ترویج استفاده از مکانیسم‌های پرداخت بین‌المللی جایگزین مانند ارزهای دیجیتال یا سیستم‌های مبتنی بر بلاک‌چین، یکی از اقداماتی است که در صورت توافق کشورها برای اجرایی ساختن آن، می‌تواند نقش بسزایی در دلارزدایی در جهان داشته باشد. ایجاد شدن یک سیستم نمونه موفق می‌تواند بسیاری از کشورها را وادارد تا درباره وابستگی خود به دلار تجدیدنظر کنند. ونزوئلا نمونه موفقی در این زمینه ارائه داده است. این کشور در زمان تحریم‌ها، ارز دیجیتالی با عنوان «پترو» را معرفی کرد. سال ۲۰۱۸، ونزوئلا این ارز دیجیتال را با حمایت دولت معرفی کرد که هدف آن دور زدن تحریم‌های مالی آمریکا علیه این کشور و ارائه ابزار برای معاملات بین‌المللی مستقل از سیستم بانکی سنتی جهانی بود. «پترو» یک ارز دیجیتال با تکنولوژی بلاک‌چین بود که به کاربرانش اجازه می‌داد نقل و انتقالات را در یک دفتر کل غیرمتمرکز و البته به‌صورت کاملا شفاف و قابل ردیابی انجام دهند. برای قابل اعتماد کردن این ارز، دولت ونزوئلا وارد میدان شده، از این ارز حمایت و اعلام کرد مردم در داخل کشور هم می‌توانند برای خرید کالا و خدمات از این ارز استفاده کنند، مالیات‌های‌شان را به دولت بپردازند و سرمایه‌گذار خارجی را با این ارز، به داخل ونزوئلا جذب کنند. البته یکی از چالش‌های پیش روی این روش این است که استفاده از یک ارز دیجیتال جدید باید با همراهی مردم و اعتماد آنها انجام شود و در عین حال زیرساخت‌های فناوری و چارچوب رگولاتوری آن نیز آماده بوده و کم‌کم مورد پذیرش شرکت‌ها و طرف‌های قرارداد خارجی نیز قرار گیرد. هم‌اکنون غیر از «پترو» در ونزوئلا، «یوآن» ارز دیجیتال چین نیز از ارزش خوبی در جهان برخوردار است.

■ فواید دلارزدایی برای اقتصاد جهان

نوین بودن مطالعات درباره دلارزدایی در جهان باعث شده است هنوز نتایج و پیامدهای آن بر اقتصاد جهان یا اقتصاد کشورهایی که قصد دارند سریع‌تر از سیستم دلار محور اقتصاد جهانی خارج شوند، مشخص نباشد. با این حال فعالیت‌های انجام شده طی چند سال اخیر برخی پیامدها و اثراتی را به‌دنبال داشته است که می‌تواند مورد مطالعه بیشتر قرار گیرد. برخی از این اثرات در زیر شرح داده شده است:

۱- تغییر در سیستم پولی و مالی جهان: دلارزدایی می‌تواند به یک سیستم پولی بین‌المللی چندقطبی‌تر با ظهور ارزهای ذخیره متنوع‌تر جایگزین شود. این تغییر می‌تواند بر پویایی مالی، تجارت و قدرت اقتصادی کشورها در جهان تأثیر بگذارد و اقتصاد بین‌المللی فعال‌تر، پویاتر و رقابت‌پذیرتر خواهد شد.

۲- نوسانات نرخ مبادله ارز: اگرچه برخی تحلیلگران معتقدند نوسانات نرخ ارز در مبادلات بین‌المللی به‌دلیل اینکه دلار دیگر محور اصلی نقل و انتقالات نخواهد بود، بیشتر می‌شود و این می‌تواند برای اقتصاد جهانی به‌عنوان یک آسیب در نظر گرفته شود اما در عین حال این مساله می‌تواند در بسیاری از موارد، نرخ مبادله ارز را به‌دلیل رقابت‌های گسترده کاهش دهد و در واقع بازار آزاد نرخ مبادلات، در نهایت به کمتر شدن نرخ مبادلات منجر شود.

۳- کاهش بی‌ثباتی مالی: استفاده از ارز واحد به‌عنوان ارز ذخیره، می‌تواند سیستم مالی جهانی را در برابر شوک‌ها آسیب‌پذیرتر کند. این همان اتفاقی است که در بحران مالی سال ۲۰۰۸ برای کل دنیا افتاد. این مساله به این دلیل است که اگر در کشوری که ارز ذخیره را صادر می‌کند، بحرانی رخ دهد، می‌تواند اثرات مستقیمی بر کل اقتصاد جهانی داشته باشد.

۴- افزایش میزان حاکمیت اقتصادی کشورها: کشورهایی که بشدت به دلار وابسته شده‌اند، در برابر تحریم‌های ایالات‌متحده آسیب‌پذیرتر هستند. حالا که تحریم به ابزاری رایج در سیاست خارجی آمریکا تبدیل شده که حتی متحدان آمریکا را نیز شامل می‌شود (همان‌طور که درباره اعمال تحریم‌ها علیه ترکیه به‌عنوان عضوی از ناتو شاهد بودیم) کشورهای زیادی می‌توانند با پیش‌بینی شرایطی که ممکن است برای‌شان پیش آید، سریع‌تر به فکر بی‌اثر کردن تحریم‌ها علیه سیستم مالی‌شان باشند. دلارزدایی در این راستا می‌تواند با اعطای کنترل و اختیار بیشتر به کشورها بر سیاست‌های پولی خود به کاهش این آسیب‌پذیری کمک کند.

۵- توسعه اقتصادی: دلارزدایی می‌تواند با آسان‌تر کردن کنترل سیاست‌های پولی برای دولت‌ها، به ارتقای توسعه اقتصادی کمک کند. این اتفاق می‌تواند منجر به کاهش نرخ بهره شود که سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی را تشویق می‌کند.

۶- تغییر نظم جهانی: یکی از اثرات جالب توجه دلارزدایی، ایجاد تغییر در سیستم نظم فعلی جهانی است، زیرا دنیا را از یک نظام تک‌قطبی متکی به اقتصاد ایالات‌متحده، به یک نظام چندقطبی تبدیل خواهد کرد که اقتصاد هر کشور بر اساس منافع ملی آن و همچنین دوستان و متحدانی که در دنیا دارد و کشورهای دیگری که با آنها رابطه تجاری برقرار می‌کند، پیوند می‌خورد. این مساله باعث می‌شود اقتصادهای در حال ظهور و قدرت‌های منطقه‌ای فرصت بیشتری برای شکوفایی اقتصادشان داشته باشند و از زیر بار هژمونی دلار و آمریکا بیرون بیایند.

تمام بحث‌های مربوط به دلارزدایی اما از جایی اهمیت می‌یابد که بدانیم با وجود همه تلاش‌هایی که برای این کار در بین کشورهای مخالف جهان در حال پیگیری و انجام است، دولت ایالات‌متحده نیز که از سال‌ها پیش نگران مساله افول قدرت خود در جهان است نیز بیکار ننشسته و در تلاش است تا همچنان هژمونی دلار را در دنیا حفظ کند. اقدامات متقابل ایالات‌متحده غیر از فعالیت‌های دیپلماتیک، سیاسی و اقتصادی، حتی به اقدامات نظامی احتمالی نیز ختم خواهد شد و تلاش دولت این کشور برای تبدیل کردن اوکراین به ویتنام برای روسیه و اقداماتش برای راه‌اندازی جنگ بین تایوان و چین در همین راستا تحلیل می‌شود. با این حال همین مسائل و درگیری‌های اقتصادی و سیاسی در دنیا است، که شرایط برای دلارزدایی و ایجاد محیطی عادلانه‌تر برای کشورهای در حال رشد را فراهم کرده است و مهم‌ترین اقدام در شرایط فعلی برای ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای در حال رشد و توسعه این است که از این شرایط به نفع خود استفاده کرده و تلاش کند ضمن کمک به کشورهای مستقل برای انجام پروژه دلارزدایی، خود نیز با پیشبرد سیاست «اتکا به درون» و تبدیل ایران به «ایران قوی» از منظر سیاسی، نظامی، دیپلماتیک و مهم‌تر از همه، اقتصادی راه برای استفاده بیشتر از شرایط تغییر در نظم جهانی را باز کند. جمهوری اسلامی هم‌اینک نیز تلاش‌های مختلفی را برای دلارزدایی از سیستم اقتصادی خود انجام داده است اما می‌تواند با استفاده از استراتژی‌هایی که کشورهای دیگر به خدمت گرفته و در آن موفق بوده‌اند، گام‌های بلندتری در این زمینه بردارد. استفاده از ارزهای دیجیتال در معاملات بین‌المللی و ایجاد ارز دیجیتال ایرانی، تلاش دیپلماتیک برای عضویت در سازمان‌های همکاری اقتصادی منطقه‌ای و بین‌المللی غیرمتکی به سیستم اقتصادی آمریکایی و قراردادها و توافق‌های دوجانبه برای نقل و انتقالات مالی و تجارت بدون ارز واسط، از اقداماتی است که با سرعت بیشتری باید دنبال شود.